

دموکراسی زیست‌محیطی در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر (با تأکید بر مفهوم حقوق بشر محیط زیست)

سید احمد حبیب نژاد*
زهرا دانش ناری**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۴

چکیده

حق بر محیط زیست سالم، به‌عنوان حقوق مندرج در نسل سوم حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است و از جمله حق‌های مترقی و پیشرفته‌ای است که با نگاه آینده‌محور، به دنبال حفظ محیط زیست برای نسل‌های کنونی و آینده است. حق بر محیط زیست سالم، موضوع چندین سند و معاهده بین‌المللی است و به همین دلیل، تعهدات دولت‌ها را در حفاظت از آن به همراه دارد. با این حال، تمامی حق‌های بشری، زمانی به کارایی و اثربخشی می‌رسند که در رویه قضایی نیز مورد احترام قرار گیرند. بر همین اساس، این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی-تحلیلی، حمایت قضایی از حق بر محیط زیست سالم را در رویه دادگاه اروپایی بررسی کند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، دادگاه اروپایی حقوق بشر به‌عنوان دادگاهی منطقه‌ای بر اساس سند مؤسس، یعنی معاهده اروپایی حقوق بشر، خود را ملزم به رسیدگی و صدور رأی در موارد نقض حقوق بشر، از جمله حق بر محیط زیست سالم، می‌داند. از سوی دیگر، مفهوم دموکراسی زیست‌محیطی در رویه دادگاه به رسمیت شناخته شده و این دادگاه در آرای چند به این مفهوم توجه کرده است. اگرچه حق بر محیط زیست سالم صراحتاً در متن معاهده اروپایی، مورد اشاره قرار نگرفته است، رویکرد دادگاه اروپایی نشان می‌دهد، این دادگاه از طرق مواد دیگر، مانند تفسیر پویا از معاهده به حمایت از حق بر محیط زیست سالم می‌پردازد. این مقاله به دنبال بررسی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حمایت از حق بر محیط زیست سالم است.

کلیدواژگان:

تفسیر پویا، حق بر محیط زیست سالم، حقوق بشر، دادگاه اروپایی دموکراسی زیست محیطی.

* دانشیار دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران

A.habibnezhad@ut.ac.ir

** دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

zdanesh@ut.ac.ir

مقدمه

محکمه اروپایی حقوق بشر یکی از ارکان حفظ حقوق بشر است که بر اثر ابتکار شورای اروپا به وجود آمده است. در میان کارهای برجسته شورای اروپا، هیچ‌یک به اندازه این محکمه حمایت از حقوق بشر را نشان نمی‌دهد؛ زیرا شورای اروپا در ایجاد محکمه و تصویب قواعد دادرسی و حتی اجرای احکام آن همکاری داشته است.^۱

برای دموکراسی‌های نوین اروپایی، نظام مبتنی بر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقش مهمی را در ایجاد استانداردهای رویه‌ای برتر ایفا می‌کند. اثر آرای صادره از دادگاه اروپایی حقوق بشر صرفاً محدود به پرونده‌های تصمیم‌گیری شده نیست، بلکه به سطح تقنینی هم تسری یافته یا در زمینه مشخصی در دولت‌های عضو شورای اروپا اجرا می‌شود و یک تغییر نظام‌مندی را فراهم می‌سازد.^۲

دادگاه جدید حقوق بشر پس از لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ (۳ اکتبر ۱۹۹۸)، در تاریخ اول نوامبر ۱۹۹۸، شروع به کار کرد. اقدامات سازمان ملل در تدوین و توسعه حقوق بشر پس از تشکیل دادگاه اروپایی حقوق بشر، خصوصاً تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ و وجود دیگر زمینه‌های مساعد، سبب رشد مستمر حقوق حمایت‌شده توسط کشورهای اروپایی گردید. با تصویب و لازم‌الاجرا شدن پروتکل‌های شماره ۱، ۴، ۶، ۷، ۱۲ و ۱۳ منضم به کنوانسیون، دامنه حقوق و آزادی‌های حمایت‌شده توسط دادگاه به‌طور چشمگیری گسترش پیدا کرد.

اما علی‌رغم گسترش صلاحیت‌های مقرر برای دادگاه اروپایی حقوق بشر، همچنان حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان حقی مستقل در معاهده اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته نشده است. به گفته آلن بویل، حقوق زیست‌محیطی در هیچ طبقه‌بندی یا نسل حقوق بشری

۱. حسینی نژاد، حسینقلی، **نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر**، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۶، ۱۳۷۷، شماره ۲۲، ص ۱۳۸.

۲. همتی، مجتبی، **تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۵۳، شماره ۵۵، ص ۲۴۶.

نمی‌گنجد و رابطه بین این دو باید از سه زاویه دیده شود: نخست اینکه از حقوق مدنی-سیاسی فعلی، برای دسترسی اشخاص به اطلاعات زیست محیطی، مسائل قضایی و روندهای مدنی استفاده شود. وی تأکید می‌کند که راه‌حل عملی برقراری رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر، سبز کردن حقوق بشر است و نه صرفاً تأکید بر قانون‌سازی در زمینه محیط زیست؛ دوم، داشتن یک محیط زیست سالم، حق اجتماعی و اقتصادی افراد است. موضوعی که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مطرح است؛ سوم اینکه توجه به کیفیت محیط زیست به عنوان حق عمومی و جمعی مردم برای تصمیم‌گیری درباره محیط زیست و منابع طبیعی‌شان ضروری است.^۱

دادگاه اروپایی حقوق بشر، خود معتقد است که معاهده ابزاری زنده و پویا است که باید با توجه به شرایط امروزی تفسیر گردد. بنابراین به نظر می‌رسد، حمایت از حق بر محیط زیست سالم، علی‌رغم پیش‌بینی در متن معاهده از طریق این فرایند قابل پیگیری و تحقق است. بنابراین دادگاه در موارد زیادی، به تدریج سطح حمایتی حقوق و آزادی‌های تضمین شده توسط کنوانسیون را در راستای توسعه نظم عمومی اروپا افزایش داده است.^۲

دادگاه در پرونده دیگری مجدداً تأکید می‌کند که معاهده، ابزاری برای تضمین حقوق به شکل «عملی و کارآمد» است و نه حقوق صرفاً نظری و ماهوی که قابلیت اجرایی ندارند. بنابراین در رویکرد دادگاه اروپایی، به مسائل و حقوق جدید و مستحدثه که اساساً در زمان تصویب سند اولیه معاهده هنوز مطرح نشده بودند، توجه می‌کند و از جمله حق بر محیط زیست سالم از جمله مصادیق همین حقوق است.^۳

در دهه ۱۹۵۰ و در زمان تصویب معاهده، نیاز جهانی به مسئله محیط زیست چندان آشکار نبود و از این رو، حق بر محیط زیست سالم به عنوان یک حق مستقل در معاهده پیش‌بینی نشده بود. با افزایش روزافزون گفتمان حمایت از محیط زیست، دادگاه اروپایی برخی از مفاد معاهده را با توجه به الزام جدید در خصوص حقوق بشر و محیط زیست مجدداً تفسیر کرده است. بنابراین،

۱. امین منصور، جواد، **رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر جامعه بین‌المللی**، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۹۴ شماره ۳، ص ۱۱۰.

2. Case of Hatton and Others v. The United Kingdom, (2003), Application no. 366022/97, para2.

3. case of Moreno Gomez v. Spain, (2004), Application no 2563/548, para 10.

دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان مرجع صیانت از حقوق و آزادی‌های افراد، در رویه اخیر خود با در نظر گرفتن تفسیر پویا از مواد مختلف کنوانسیون از طریق آنها، حق بر محیط زیست سالم را مورد توجه قرار داده و در آرای خود به آن تصریح نموده و حتی تعهدات مثبتی را برای دولت‌ها در راستای حمایت از این حق در نظر گرفته است. پرسش اصلی در این مقاله، از این قرار است که دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان یک دادگاه مهم منطقه‌ای نسبت به حق بر محیط زیست چه موضعی را اتخاذ نموده است؟ مطالعه رویه قضایی این دادگاه نشان می‌دهد، دادگاه از طریق اصول و مواد دیگر معاهده اروپایی درصدد حمایت از حق بر محیط زیست برآمده و در این مسیر موفق عمل کرده است. بر این اساس، در بخش اول به تشریح اقدامات اروپا در زمینه اهتمام به محیط زیست سالم و در بخش دوم به مطالعه و تحلیل موردی آرای موجود دادگاه اروپایی حقوق بشر می‌پردازیم.

۱. اقدامات اتحادیه اروپا در تأسیس حقوق محیط زیست

در سطح قاره اروپا، اتحادیه اروپا به عنوان نهاد سیاست‌گذار، اقداماتی را در راستای حمایت از حق بر محیط زیست سالم انجام داده است و نتیجه این اقدامات، پررنگ شدن حق بر محیط زیست سالم در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر است.

۱.۱. تأسیس حقوق بشر محیط زیست

یکی از اقدامات صورت گرفته در سطح اتحادیه اروپا، تلاش در راستای سبز نمودن حقوق بشر موجود است که نشان می‌دهد موضوعات زیست محیطی در ارتباط نزدیکی با سایر حق‌های بشری، مانند حق بر حیات، شرایط مناسب زندگی و حق بر اطلاعات قرار دارد. در تفسیر عمومی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل که در راستای ماده ۱۲ میثاق است، اشاره شده که حق بر سلامت شامل دسترسی به آب کافی و محیط زیست سالم است.^۱

1. General Comment no 14, The right to the highest attainable standard of health, Art 12, Social and cultural rights, 2011, Office of the high commissioner for human rights, para3.

رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر دقیقاً در همین راستا به منظور حفاظت از محیط زیست گام برداشته است. برای نمونه، در دعوی *Guerra v Italy*، دادگاه حق بر ارائه اطلاعات زیست‌محیطی را در راستای حق آزادی بیان تفسیر نموده است.^۱

دادگاه اروپایی حقوق بشر در رویه‌های اخیر خود به سوی ارائه تفسیری سبز از مواد معاهده گام برداشته است.^۲ اما همچنان ایده سبز نمودن حقوق موجود بستگی به رویه دادگاه‌ها دارد که رویکردی دوستانه نسبت به موضوع داشته باشند یا خیر.

۱.۲. دموکراسی زیست‌محیطی: اقدامات صورت گرفته در سطح اروپا

دموکراسی زیست‌محیطی، اندیشه‌ای حقوقی است که بر مشارکت عمومی مردم در حفاظت از منابع طبیعی و نیز حفظ زمین و محیط زیست تأکید دارد. دموکراسی زیست‌محیطی در اصل شامل سه حق بنیادین است که عبارت‌اند از: حق دسترسی آزاد به اطلاعات در کیفیت محیط زیست و مشکلات مربوط به آن؛ حق مشارکت معنادار در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی؛ حق مطالبه اجرای محیط زیست و نیز حق بر جبران خسارت‌های زیست‌محیطی. حمایت از این حقوق، به‌ویژه برای اقشار حاشیه‌نشین و آسیب‌پذیر، اولین گام برای ترویج عدالت و تحقق توسعه پایدار است.^۳

دموکراسی زیست‌محیطی بر نیازهای شهروندان و مشارکت آنها و شنیده شدن صدای گروه‌های ذی‌نفع و سایر فعالان زیست‌محیطی در اتخاذ سیاست‌های محیط زیست تأکید می‌کند و معتقد است این امر از طریق وجود اصولی مانند پاسخگویی، کارایی، اثربخشی و نمایندگی امکان‌پذیر است.^۴ در سطح ملی، مردم، مدافعان محیط زیست، کارگران، رهبران صنعتی و ... باید به اطلاعات زیست‌محیطی دسترسی داشته باشند؛ از جمله اطلاعات مربوط به مواد خطرناک صنعتی، نحوه محافظت از این مواد و ...، از زمره اطلاعاتی است که باید به صورت شفاف در اختیار مردم قرار گیرد. اصول مربوط به مشارکت مردم در خصوص مسائل محیط

1. Case of Guerra v. Italy, (1998), Application no 149/67/89, para15.

2. Case of Hatton V United-kingdom, (2003), Application no 128/56/63 para5.

3. The Environmental Democracy Index (EDI) ' World Resources Institute, 2015, p 5.

4. Jeffery, Michael I, 'Environmental Governance: A Comparative Analysis of Public Participation and Access to Justice' 2005, Journal of South Pacific Law 9, no. 2, p 25.

زیست در اصل ۱۰ اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه به صراحت مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.^۱ آنچه تاکنون بیان شد، مفهوم دموکراسی زیست محیطی در حقوق داخلی است. دموکراسی زیست محیطی در عرصه بین‌المللی به معنای وجود دموکراسی در فرایند سیاست‌گذاری یا قانون‌گذاری یا ایجاد عرف بین‌المللی است که هدف آن قاعده‌مند کردن جامعه بین‌المللی و تابعان است. البته باید در خصوص مفهوم دموکراسی زیست‌محیطی اذعان داشت که عناصر اصل ۱۰ اعلامیه ریو را که قوام‌دهنده مفهوم دموکراسی زیست محیطی‌اند، نمی‌توان کاملاً از مفهوم دوم دموکراسی زیست محیطی جدا کرد؛ زیرا به استثنای مفهوم دسترسی به عدالت که در چارچوب بین‌المللی دسترسی به آن، به شکلی که در اصل ۱۰ اعلامیه ریو آمده، تقریباً غیر ممکن است، عناصر دیگر این اصل، یعنی دسترسی به اطلاعات و مشارکت عمومی، نه تنها به خوبی در مفهوم دوم دموکراسی زیست‌محیطی در عرصه بین‌المللی قابل تصورند، بلکه وجود آنها برای تحقق دموکراسی زیست محیطی ضروری است.^۲

اقدام مهم در سطح اتحادیه اروپا به منظور بهبود حقوق محیط زیست، تأسیس حقوق رویه‌ای یا مشارکتی در خصوص نگرانی‌ها و مشکلات زیست‌محیطی است. مفهومی که از آن به «دموکراسی زیست محیطی»^۳ یاد می‌شود. دموکراسی زیست‌محیطی فرض می‌کند دولت‌هایی که با شفافیت، پاسخگویی و مشارکت مدنی فعالیت می‌کنند، تصمیمات بهتری در زمینه مسائل زیست محیطی می‌گیرند. به دست آوردن دیدگاه‌های عمومی در تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری باعث بهبود تدوین و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی می‌شود. علاوه بر این، افزایش آگاهی در مورد سیاست‌های زیست‌محیطی به نوبه خود ممکن است به رعایت تعهدات بین‌المللی محیط زیستی کمک نماید. حقوق محیط زیست مشارکتی خود را از طریق حقوق دادرسی بر مبنای حقوق بشر متمایز می‌کند. در یک دهه گذشته این رویکرد، رضایت قابل توجهی را کسب کرده است. منبع و پایه دموکراسی زیست‌محیطی از اصل ۱۰ اعلامیه ریو سرچشمه می‌گیرد: «مسائل مربوط به محیط زیست با مشارکت همه شهروندان ذی‌ربط در سطح مربوطه به بهترین وجه

1. Jasanoff, Sheila, 'The dilemma of environmental democracy', 1996, Issues in Science and Technology 13, no1, p 63.

۲. جم، فرهاد، دموکراسی زیست محیطی برای حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل، فصلنامه راهبرد، ۱۳۸۸، شماره ۵۰، ص ۱۶.

3. Environmental Democracy

رسیدگی می‌شود. در سطح ملی، هر فرد باید اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در جامعه خود را داشته باشد و فرصت شرکت در فرایند تصمیم‌گیری، برای وی فراهم گردد. دولت‌ها با آگاهی‌رسانی و مشارکت عمومی و با ارائه اطلاعات گسترده، دسترسی مؤثر به دادرسی‌های اداری و قضایی را تشویق می‌کنند که این امر در نهایت منجر به جبران خسارت می‌شود». برجسته‌ترین نمونه عملی کردن اصل ۱۰ اعلامیه ریو، کنوانسیون آرهوس است که تحت نظارت کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا^۱ تدوین شده و اولین ابزار الزام‌آور قانونی است که حقوق بشر و محیط زیست را پیوند می‌دهد. کنوانسیون مزبور دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری و دسترسی به عدالت زیست‌محیطی را تضمین می‌کند. این سند در ۲۵ ژوئن ۱۹۹۸ در آرهوس دانمارک به تصویب رسید و در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۱ اجرایی شد.^۲

۲. مطالعه موردی پرونده‌های دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص حق بر محیط زیست سالم

۲.۱. محیط زیست سالم به مثابه لازمه حق حیات (ماده ۲ معاهده)

رویکرد بین‌المللی در سه دهه اخیر حمایت از محیط زیست را پیش‌شرط تحقق سایر حقوق به ویژه حق بر حیات می‌داند. کلاس تاپفر، دبیر اجرایی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، این موضوع را در بیانیه ۵۷ نشست در کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۱ ارائه داده است: «حقوق بشر و به ویژه حق حیات در یک محیط آلوده تضمین نمی‌شود. حق اساسی و بنیادی حیات با نابودی منابع طبیعی، جنگل‌زدایی، قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی سمی، آب آشامیدنی آلوده و ... آسیب می‌بیند».

مجمع عمومی نیز به همین ترتیب، حفظ طبیعت و محیط زیست را شرطی اساسی برای زندگی عادی انسان دانسته است.^۳

1. UN Economic Commission for Europe (UNECE).

2. Bjerler, N , *Do Europeans Have a Right to Environment? World Commission on Environment and Development*, 2007, p8.

3. Shelton, D, 'Human Rights and Climate Change', 2009, Buffett Center for International and Comparative Studies Working Paper Series, Working Paper, p201.

اختلاف دیدگاه‌های نظری در خصوص حق حیات در عرصه حقوق عملی هم تأثیر گذارده و رویه دادگاه‌ها در عرصه داخلی و ارکان تضمینی کنوانسیون‌ها در عرصه بین‌المللی را متأثر ساخته است. از جمله، پس از تأکید بر حق حیات در ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، رکن تضمینی این کنوانسیون، یعنی کمیسیون حقوق بشر و جایگزین آن، یعنی دادگاه اروپایی حقوق بشر با چالش‌های حق حیات در پرونده‌های مطروحه نزد خود مواجه بوده‌اند.^۱ از جمله این چالش‌ها توجه به حق بر محیط زیست سالم از دریچه حق بر حیات است.

۲.۱.۱. پرونده Öneriyıldız v Turkey، ممنوعیت فعالیت‌های صنعتی خطرناک

در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، دولت‌ها دو نوع تعهد در راستای حمایت از حقوق بشر دارند. تعهد اصلی که مرتبط با حقوق مدنی و سیاسی کلاسیک است و به عنوان تعهدات منفی شناخته می‌شود و بر اساس آن، دولت‌ها از انجام اقدامات ناقض حقوق مقرر در معاهده باید جلوگیری کنند. نسل دوم حقوق بشر با عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که دولت در اجرای آنها تعهدات مثبت دارد و به طور فزاینده‌ای روبه افزایش است.^۲ تحقق و استمرار برخی از حقوق و آزادی‌ها به مداخله دولت وابسته است. از سوی دیگر، امکان زندگی مستقل انسان و برخورداری‌اش از حقوق و آزادی‌ها به مداخله دولت به منظور حفاظت از تهدیدهای گوناگونی وابسته است که از سوی قدرت‌های اقتصادی و اجتماعی متوجه اوست. این تلقی از معاهده در گزارش کمیسیون در قضیه گلدن گسترش یافت و در ادامه این رویه است که مفهوم «تعهدات مثبت» ظاهر شده است.^۳

انجام این تعهد در مورد محیط زیست، مستلزم آن است تا دولت تمامی اقدامات قابل قبول را انجام دهد تا از تخریب محیط زیست جلوگیری گردد. به طور معمول، می‌توان از تضمین‌هایی مانند شفافیت و مشارکت در تصمیم‌گیری صحبت کرد. با دقت در متن ماده ۲، به وضوح

۱. عباسی، محمود، آربن قاسمی و راحله رضایی، تحولات رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در مواجهه با چالش‌های حق حیات: مطالعه موردی آرای بنیادین سقط جنین و مرگ ناخواسته، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۳۹۸، شماره ۴۸، ص ۱۶۳.

۲. محبی، محسن و اسماعیل سماوی، نقش رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیر پویای معاهدات حقوق بشری، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۵، ۱۳۹۷، شماره ۵۸، ص ۱۰.

۳. ویژه، محمدرضا، مفهوم تعهدات مثبت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، فصلنامه الهیات و حقوق، دوره ۱۳، ۱۳۸۳ شماره ۴، ص ۱۱۲.

مشخص است که وظیفه اصلی دولت در خصوص حق حیات، منفی است. علاوه بر این، رویه قضایی دادگاه اروپایی، در خصوص «تعهدات مثبت» توسعه یافته است. این بدان معنی است که یک دولت باید اقدامات لازم را برای حمایت از زندگی کسانی که در حوزه قضایی آن زندگی می‌کنند، به عمل آورد؛ حتی زمانی که این حق با فعالیت‌های خصوصی‌ای تهدید می‌شود که الزاماً ارتباطی به دولت نیز ندارد.^۱

با توجه به اینکه نقض حق حیات، ممکن است جبران‌ناپذیر باشد، تعهد مثبت به حفاظت از این حق، حتی شامل شرایطی می‌گردد که زندگی یک شخص در معرض خطر است؛ مانند فعالیت‌های خطرناک زیست‌محیطی که حیات انسانی را تهدید می‌کند. ذکر این نکته لازم است، حتی زمانی که هنوز حیات وجود دارد، ماده ۲ معاهده اروپایی حقوق بشر می‌تواند اعمال گردد؛ برای مثال، در شرایط استفاده نامناسب از نیروی مرگبار. در حالی که فهرست جامعی از تعهدات مثبت دولت در این زمینه حق حیات وجود ندارد، اما چنین مواردی به صورت استثنایی وجود دارد. از رویه قضایی دادگاه می‌توان نتیجه گرفت، تعهدات مثبت دولت‌ها در دو حالت ممکن است محقق گردد: در مورد فعالیت‌های صنعتی خطرناک و بلایای طبیعی.^۲

دعوی مورد نظر، وضعیت اول را در نظر می‌گیرد؛ یعنی فعالیت‌های خطرناک صنعتی. این پرونده، مربوط به انفجار گاز متان در زباله‌های شهری است که در ۲۸ آوریل ۱۹۹۳ در استانبول رخ داد. در اطراف این ناحیه، یک زاغه غیرقانونی وجود داشت. در جریان این حادثه ۳۹ نفر فوت کردند. خواهان، ۹ نفر از اعضای خانواده‌اش را از دست داد و علت شکایت او سهل‌انگاری مقامات شهرداری در انجام وظایف مراقبتی بود. کمیته کارشناسی بیان کرد، در مورد خطر انفجار زباله‌های زائد به دولت و مقامات مسئول هشدارهای لازم داده شده بود و دولت ترکیه قانون محیط زیست و مقررات مربوط به کنترل مواد زائد جامد را نقض کرده و در نتیجه باعث ایجاد خطر برای سلامتی انسان‌ها و حیوانات شده است.^۳

1. Case of *Öneryıldız v Turkey*, (2004), Application no 48939/46, para 10.

2. Albers, J, *Human Rights and Climate Change: protecting the right to life individuals of present and future generation*, Master Thesis Public International Law Utrecht University, 2017, p 124.

3. Case of *Öneryıldız v Turkey*, (2005), Application no 48939/99, para 10.

دادگاه تصمیم خود را بر اساس دو معیار تعیین کرد: آیا یک خطر واقعی و فوری وجود دارد؟ و آیا مقامات دولتی از وجود خطر مطلع بودند یا باید اطلاع می‌داشتند؟^۱ دادگاه در نهایت نتیجه می‌گیرد: «گاز متان خطر انفجار بالقوه را دارد و از آنجا که مقامات از این امر آگاهی داشتند، تعهدی مثبت مبنی بر اقدامات پیشگیرانه برای حفاظت داشتند. همچنین دادگاه معتقد است که مقامات دولتی از خطر این انفجار به مردم منطقه اطلاعی ندادند. دادگاه، همچنین اظهار می‌کند که تعهدات مثبت در خصوص حفاظت از حق بر حیات، دربرگیرنده وظیفه اصلی و اساسی دولت برای طراحی چارچوب‌های اداری و اساسی در راستای بازدارندگی مؤثر علیه تهدیدات حق زندگی و از آن جمله اقدامات عملی برای اطمینان از حفاظت موثر از شهروندانی است که زندگی آنها ممکن است در معرض خطر باشد. بنابراین ماده ۲ هم به لحاظ ماهوی و هم به لحاظ رویه‌ای نقض گردیده است.^۲

بنابراین، در پرونده مورد نظر، دادگاه از جنبه ماهوی با توجه به وجود خطر قریب‌الوقوع و جدی، نقض حق حیات را احراز کرده است. از سوی دیگر، از سیاق عبارات به کار رفته در رأی صادره می‌توان جنبه‌هایی از مفهوم «دموکراسی زیست محیطی» را ملاحظه نمود. دادگاه، دولت ترکیه را به دلیل عدم اطلاع‌رسانی کافی در مورد خطرهای وجود گاز متان محکوم کرده است. همان‌گونه که اشاره گردید، شفافیت اطلاعاتی در زمینه مسائل محیط زیست یکی از ابعاد دموکراسی زیست محیطی است.

آنچه از رویه قضایی دادگاه اروپایی در این پرونده به وضوح مشخص می‌شود، مسئول شناختن دولت‌ها در فرضی است که خطری قریب‌الوقوع و قابل پیش‌بینی وجود دارد و دولت‌ها از انجام اقدامات پیشگیرانه امتناع کنند.

۲.۱.۲. دعوی Budayeva and others v Russia و وقوع حوادث طبیعی

در ژانویه سال ۲۰۰۰، در شهر تیرنواز، به دلیل شکست گسل، بخشی از منطقه مسکونی دچار آب‌گرفتگی شد. تعداد زیادی از افراد موفق به فرار شدند، اما برخی دیگر نیز در خانه‌ها ماندند و تعدادی در اثر سقوط ساختمان کشته شدند.^۳

1. Case of Önerıldız v. Turkey, (2005), Application no 48939/99, para 30.

2. Case of Önerıldız v. Turkey, (2005), Application no 48939/99, para 63.

3. Case of Budayeva and others v Russia, (2008), Application no 15339/02, para 26.

دادگاه به دنبال بررسی این موضوع بود که آیا دولت روسیه به تعهدات مثبت خود در زمینه لزوم مراقبت از مقررات ساخت و ساز، هشدار به ساکنان، مراقبت از تخلیه و کمک‌های اضطراری و نیز انجام تحقیقات قضایی بعد از حادثه عمل نموده است یا خیر؟ در نهایت، دادگاه به این نتیجه می‌رسد که با توجه به خطر نوعی موجود، دولت روسیه زندگی شهروندانش را در معرض خطر قرار داده و گامی در راستای کاهش عواقب حادثه برنداشته است

دادگاه تصریح کرد که با توجه به تهدید قابل پیش‌بینی برای زندگی مردم در این منطقه خطرناک، دولت روسیه موظف به انجام اقدامات احتیاطی بوده است. همچنین رابطه علی میان فوت همسر خواهان و عدم انجام وظایف مقامات اداری وجود دارد. مقامات روسی از ایجاد چارچوب مقررات‌گذاری و اداری برای فراهم آوردن بازدارندگی مؤثر در برابر به خطر انداختن حق حیات ناتوان بوده‌اند و بر این اساس، جنبه‌های اساسی ماده ۲ معاهده اروپایی حقوق بشر نقض گردیده است.^۱

پرونده اول، مربوط به فعالیت‌های خطرناک انسانی است؛ در حالی که در پرونده دوم، مردم در اثر یک حادثه طبیعی آسیب دیده‌اند. اما در هر دو پرونده، وظیفه مراقبتی بر عهده دولت، یکسان تفسیر شده است.^۲

تفاوت در این است که حاشیه تکالیف دولت در مورد تعهدات مثبت، در خصوص بلایا و حوادث طبیعی حتی گسترده‌تر است. بنابراین، دولت وظیفه مثبت دارد که اقدامات لازم را به منظور انجام حمایت از حق بر حیات انجام دهد. با وجود این، با توجه به بررسی‌های علمی، این موضوع قابل پیش‌بینی است که برای مثال، امواج گرما یا سیل در حال افزایش‌اند و این امر ناشی از تغییرات آب و هوایی است. بنابراین، این پرسش مطرح است که چگونه ادعایی حقوقی در مورد نقض حق حیات در اثر تغییرات آب و هوایی قابل تحقق است؟ با توجه به این واقعیت که اثر گازه‌های گلخانه‌ای یکی از مسائلی است که از اقدامات مستقیم انسانی ناشی می‌شود و این موضوع در حق حیات تأثیر دارد و بر این اساس، دولت تعهدات مثبت دارد و این امر به این

1. Case of Budayeva and others v Russia, (2008), Application no 15339/02, para 157-158-165.
2. Shelton, D, 'Human Rights and Climate Change', 2009, Buffett Center for International and Comparative Studies Working Paper Series, Working Paper, p 18.

معناست که اگر دولت‌ها اقدامات لازم را برای کاهش اثرات گازهای گلخانه‌ای انجام ندهند، مسئول شناخته می‌شوند.

۲.۱.۳. دعوی Urgenda Foundation V State of Ntherland و ممنوعیت انتشار گازهای گلخانه‌ای

مفهوم ممنوعیت انتشار گازهای گلخانه‌ای در یکی از پرونده‌های مهم دادگاه بروز یافته و دادگاه اروپایی با ارائه تفسیری مترقی به خوبی از حق بر محیط زیست سالم حمایت نموده است. در دعوی Urgenda Foundation V State of Ntherland، انجمن مزبور به طرفیت دولت، ادعایی را در خصوص تغییرات آب و هوایی مطرح کرد و دلیل آن را نقض تعهد دولت در کاهش ۲۵ تا ۴۰ درصدی کاهش گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۲۰ بیان نمود. سازمان مزبور سازمانی غیردولتی و مردم‌نهاد و ائتلافی از دانشگاه‌ها و رسانه‌ها برای ایجاد هلندی پایدار است و پس از درخواست ناموفق از دولت مبنی بر افزایش داوطلبانه تعهدات خود، درخواست خود را به دادگاه اروپایی مطرح کرد.^۱

در پرونده مورد نظر، دادگاه به عنوان نقطه شروع، به این نتیجه رسید که انتشار گازهای گلخانه‌ای باعث تغییرات آب و هوایی می‌شود و افزایش دو درجه‌ای دمای هوا بر حق حیات نسل‌های آینده تأثیر می‌گذارد.^۲

دادگاه در تصمیم خود، به اصول کنوانسیون چارچوب تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد،^۳ مصوب ۱۹۹۲ و نیز معاهده وظایف اتحادیه اروپا^۴ توجه کرد و تفسیری منطقی ارائه داد: به منظور تعیین دامنه وظیفه مراقبتی دولت، توجه به سیاست‌های بین‌المللی و اقلیمی اتحادیه اروپا الزامی است.^۵

یکی از نکات جالب در رأی مزبور، توجه به شخصیت خواهان دعواست. در فرایز از رأی دادگاه، به شخصیت سازمان مردم‌نهاد اشاره شده است و با توجه به اینکه سازمان شخصیتی

1. Case of Urgenda Foundation V State of Ntherland,(2015), Application no 17898/03, para 10.

2. Case of Urgenda Foundation V State of Ntherland,(2015), Application no 17898/03, para 35.

3. United Nations Framework Convention on Climate Change.

4. Treaty on Duties of the European Union.

5. Case of Urgenda Foundation V State of Ntherland,(2015), Application no 17898/03. Para 52.

حقوقی است، دادگاه عقیده دارد، نقض حریم خصوصی و حق حیات در مورد وی امکان ندارد. اما از آنجا که سازمان مردم‌نهاد وظیفه حمایتی از حق حیات را بر عهده دارد، دادگاه دعوای آن را می‌پذیرد. در همین مورد نیز به گزارش سالانه حقوق بشر و محیط زیست ارائه شده توسط کمیته وزرای شورای اروپا^۱ ارجاع داده و در نهایت دادگاه معتقد است اگرچه مقررات معاهده اروپایی حقوق بشر متضمن حمایت از حق بر محیط زیست سالم نیست، عدم وجود این حق و نیز نقض آن بر بهره‌مندی از حقوق تضمین شده، مانند حق حیات، تأثیر دارد.^۲

۲.۲. محیط زیست ناسالم به مثابه نقض حق بر حریم خصوصی (ماده ۸ معاهده)

درباره حق بر زندگی خصوصی، دادگاه در برخی رویه‌های خود معتقد است، حق برخورداری از رفاه و زندگی خصوصی ممکن است تحت تاثیر آلودگی شدید محیط زیست قرار گیرد و دادگاه عقیده دارد که حق بر زندگی خصوصی در ارتباط با مفهوم «حوزه خصوصی» مطرح می‌شود.

در تعریف حریم خصوصی، می‌توان چنین بیان کرد: «حریم خصوصی، آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن حریم، منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او، مجاز نبوده و ممنوع است».^۳ حق بر زندگی خصوصی، مندرج در بند اول ماده ۸، حکایت از استقلال فردی و شخصیتی دارد و عبارت است از حق اتخاذ تصمیم در خصوص زندگی خصوصی فردی و جوانب این حق، شامل همه جوانب فیزیکی و روحی فرد؛ اطلاعات، اسامی، عکس و اعتبار شخصی می‌شود. «خانه» مندرج در بند اول ماده ۸، به مکان فیزیکی شناخته شده‌ای اطلاق می‌شود که زندگی خصوصی و زندگی خانوادگی در آن جریان دارد؛ فارغ از اینکه مکان مزبور جزء اموال فرد باشد یا به طور قانونی در آن سکونت داشته باشد.^۴

1. Council of Europe, Committee of Ministers, Manual on Human Rights and the Environment, Council of Europe Publishing, 2nd ed (2012).

2. Case of Urgenda Foundation V State of Ntherland,(2015), Application no 17898/03. Para48.

۳. اسکندری، مصطفی، ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال یازدهم، ۱۳۸۹ شماره ۴، ص ۱۵۷.

۴. رحیم خویی، الناز و حسین رستم زاد، تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۹۶، شماره ۵۶، ص ۲۶۶.

مراد از این حق، حوزه فیزیکی منزل است و به معنای استفاده معقول از این محیط است. این حق نه تنها توسط مصادیق آشکار، مانند ورود غیرقانونی، بلکه در مواردی مانند آلودگی صوتی، انتشار گازها و بوهای نامطبوع نیز نباید نقض گردد.^۱

۲.۲.۱. دعوی *Kyrtatos v Greece*؛ وجود عنصر ضرر زیست محیطی

رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص نقض ماده ۸ در خصوص حق بر محیط زیست، دارای دو معیار است: اثر منفی محیط زیست بر زندگی خصوصی و اثر مستقیم. در دعوی *Kyrtatos v Greece*، خواهان‌ها دعوی را در خصوص تخریب منظره شهر به دلیل توسعه شهری مطرح کردند. در این دعوا، دادگاه معتقد است: «عنصر حیاتی در تعیین اینکه آیا حق بر حریم خصوصی نقض گردیده است، توجه به بند ۱ ماده ۸ معاهده است» که برای تحقق آن وجود عنصر «ضرر رساندن» الزامی است. به عبارت دیگر، عنصر «ضرر» سبب عدم انتفاع کامل از حق بر حریم خصوصی می‌شود و وجود رابطه علیت میان خسارت و تأثیر آن بر خواهان باید ارتباطی مستقیم وجود داشته باشد. بنابراین صرف از بین رفتن محیط اطراف بدون اثر زیان‌زننده سبب نقض ماده ۸ نیست و بنابراین در این پرونده، دادگاه نقض ماده ۸ را احراز نکرد.^۲

معیار دیگر ارائه شده از سوی دادگاه اروپایی این است که تأثیر زیان وارده باید به حد معینی برسد و در این وضعیت، شدت، مدت، اثرات فیزیکی و روحی و محیط زیست عمومی باید مورد نظر قرار گیرد.^۳ به عبارت دیگر، دادگاه معیار شخصی را در نظر می‌گیرد و درباره هر پرونده‌ای با توجه به اوضاع و احوال خاص آن مورد، تصمیم‌گیری می‌نماید.

دادگاه معتقد است: «خطرات زیست محیطی ذاتی برای زندگی در شهرهای مدرن ادعای صحیحی برای نقض حقوق زیست محیطی نیست و به عبارت بهتر، تمرکز دادگاه بر حقوق فردی است تا حمایت جمعی از حقوق زیست محیطی».^۴

1. Case of *fadeyeva v Russia*.(2005), application no 55723/00, para 70.

2. Case of *Kyrtatos v Greece*, (2003), Application no 41666/. Paras 44-46.

3. Case of *fadeyeva v Russia*.(2005), application no 55723/00, para69.

4. Grant E, 'International Human Rights Courts and Environmental Human Rights: Re-Imagining Adjudicative Paradigms' 2015, 6(2) Journal of Human Rights and the Environment, p120.

در دعوی دیگری با عنوان *López Ostra v Spain*، خواهان از دود، بو و آلودگی صوتی یک کارخانه تصفیه پسماند در مجاورت منزل خود شکایت کرد که سبب ایجاد مشکلات سلامتی برای وی و خانواده‌اش شده است. پس از سه سال از وجود این شرایط، خانواده به دلیل توصیه پزشک متخصص اطفال نقل مکان می‌کنند.^۱

دادگاه این امر را به رسمیت شناخت که آلودگی صوتی و بوها بر کیفیت زندگی خواهان اثرگذار بوده است، اما چنین رأی صادر کرد که میزان آسیب رساندن در حدی نبوده است که حقوق بنیادین شاکی را نقض نماید.^۲ بنابراین در ارتباط میان حق بر محیط زیست و حق بر حریم خصوصی، آنچه مورد توجه است، میزان زیانی است که به آرامش و امنیت منزل در اثر فعالیت‌های مخرب زیست محیطی وارد می‌گردد. در سیاق عبارات به کار رفته در آرای دادگاه، این موضوع مشخص است که ضررهای احتمالی و قریب‌الوقوع نمی‌تواند ناقض حق بر حریم خصوصی باشد.

دادگاه تعهد مثبت دولت را مبنی بر ممانعت از آلودگی تأیید نکرد. اما بر این نکته صحنه گذارد که دولت توازن منصفانه میان منافع اقتصاد شهری و حقوق خواهان را رعایت نکرده است. حتی اگر آلودگی محیط زیست شدید نباشد، به‌طور جدی سلامت افراد را به خطر می‌اندازد و بر حقوق مقرر در ماده ۸ اثرگذار است. در نهایت، دادگاه نقض ماده ۸ را احراز و دستور تعیین خسارت را صادر نمود.^۳

به طور مشابه، در پرونده *Fadeyeva v Russia*، خواهان در مجاورت یک کارخانه فولاد زندگی می‌کرد که بزرگ‌ترین کارخانه آهن روسیه بود. وی معتقد بود میزان ذوب کردن و آلودگی هوا بر وضعیت سلامتی وی تأثیرگذار است.^۴ در خصوص این پرونده، دادگاه به معیار مدت زمان طولانی تصریح کرد و وجود عناصر سمی و غلظت آلاینده‌ها را که بیش از حد مجاز بود، مورد نظر قرار داد و عقیده داشت دولت با عدم ارائه راه‌حل مناسب، به تعادل عادلانه نرسیده و این مسئله سبب ضرر واقعی به سلامتی و بهداشت خواهان شده و آستانه آسیب شدید بوده و کیفیت

1. Case of López Ostra v Spain (1994), Application no 16798/90, paras 8-19.

2. Case of López Ostra v Spain (1994), Application no 16798/90, para 40.

3. Case of López Ostra v Spain (1994), Application no 16798/90, para 51-58.

4. Case of fadeyeva v Russia.(2005), application no 55723/0, para 10.

زندگی وی را در محیط خصوصی خانه مورد خدشه قرار داده، لذا نقض ماده ۸ محقق شده است.^۱

در اینجا، این نکته قابل توجه است که تعهدات مثبت دولت، شامل حفاظت از اشخاص ثالث خصوصی نیز می‌شود. فعالیت‌هایی مانند دود، سروصدا، آلودگی گیاهان و وجود زباله‌ها می‌تواند سبب مشکلاتی در زندگی خصوصی گردد. بنابراین، مسئولیت دولت در مورد فعالیت‌های خطرناک محیط زیست، حتی اگر انجام‌دهنده آنها بخش صنعت خصوصی و بر حقوق بینادین بشر اثرگذار باشد، محقق است و دولت مکلف به تنظیم و مدیریت فعالیت‌های صنعتی در همه بخش‌هاست.^۲

۲.۲.۲. دعوای Tătar v Romania و رعایت اصل احتیاطی

در برخی موارد، دادگاه به اصل احتیاطی در خصوص نقض ماده ۸ تصریح نموده است. هدف اصل احتیاط زیست‌محیطی، حفاظت از محیط زیست و پیشگیری از تخریب و آلودگی آن است. اتخاذ تدابیر احتیاطی در کوتاه‌ترین زمان ممکن علی‌رغم عدم قطعیت و یقین علمی، قلب اصل احتیاط را تشکیل می‌دهد. پس به‌طور خلاصه می‌توان گفت که تدابیر پیشگیرانه در راستای اعمال اصل احتیاط واجد دو خصیصه است: الف) تدابیر پیشگیرانه سنتی برای پرهیز و جلوگیری از خساراتی که از قبل در مورد عواقب آن آگاهی کامل وجود دارد؛ ب) تدابیر احتیاطی برای پرهیز از آثار زیان‌بار احتمالی که نسبت به آثار و عواقب آنها قطعیت وجود ندارد.^۳

در دعوای Tătar v Romania، خواهان مدعی است در اثر استخراج طلا، مقدار زیادی آب آلوده به محیط زندگی وارد شده است. اگرچه خود خواهان‌ها وجود رابطه علی میان آلودگی و سلامتی را احراز نکردند، تأثیرات محیطی تهدیدی جدی برای سلامت متقاضیان به شمار می‌رفت. در نتیجه، دولت، تعهد مثبت خود را برای اقدامات پیشگیرانه معقول در راستای احترام به زندگی خصوصی را انجام نداده است.

1. Case of fadeyeva v Russia.(2005), application no 55723/00,para 87-88.

2. Francesco F, 'International Human Rights in an Environmental Horizon' 2010, 21(1) The European Journal of International Law, p178.

۳. رضانی قوام آبادی، محمدحسین، بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست محیطی در پرتوی آراء و تصمیمات مراجع بین‌المللی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۵، ۱۳۹۲، شماره ۴۰، ص ۱۷۸.

دادگاه بر این نکته تأکید می‌کند که این امر ناشی از اصل احتیاط (که در اصل ناشی از قوانین بین‌المللی محیط زیست است) است. علاوه بر این، خطر قابل توجه که احتمالاً اتفاق می‌افتد، حتی اگر منجر به هیچ آسیبی نگردد، ممکن است به نقض بینجامد.^۱ معیار دیگری که در قالب اصل احتیاطی توسط دادگاه ارائه می‌شود، توجه به خطر قابل توجهی است که احتمال دارد روی دهد؛ اگرچه در حال حاضر هنوز هیچ آسیب و زیانی وارد نشده باشد. در این فرض نیز نقض ماده ۸ محقق می‌شود. این معیار در دعوی *Taşkın and Others v Turkey* مورد توجه قرار گرفته است؛ به این نحو که به اعتقاد دادگاه، آلودگی‌هایی که ممکن است افراد را تحت تأثیر قرار دهد یا فعالیت‌های خطرناکی که احتمالاً افراد در معرض آنها قرار دارند، تحت پوشش ماده ۸ قرار می‌گیرد؛ چرا که در غیر این صورت، تعهد مثبت دولت به هیچ وجه محقق نمی‌شود. وظیفه اتخاذ تدابیر مناسب بر عهده دولت‌هاست. این پرونده به وظایف و تکالیف رویه‌ای دولت‌ها که دامنه تعهدات مثبت را نیز افزایش می‌دهند، (مانند حق اطلاع رسانی) گسترش می‌یابد و از این حیث مثال‌زدنی است.^۲

۲.۳. نقض مواد ۲ و ۸ به صورت توأمان در پرونده *Guerra v Italy*

تنها دعوای مربوط به نقض توأمان هر دو ماده، پرونده *Guerra v Italy* است. بر اساس این پرونده، ۴۰ نفر از خواهان‌ها در یک کیلومتری کارخانه شیمیایی پرخطر زندگی می‌کردند و در اثر اقدام کارخانه، ۱۵۰ نفر از اهالی در بیمارستان بستری شدند. خواهان‌ها مستند به مواد ۲ و ۸ در خصوص عدم اقدام دولت طرح دعوا کردند. دادگاه در خصوص این پرونده به این نتیجه رسید که مقامات دولتی باید برای جلوگیری از بو، سروصدا، دود و تولید گازهای گلخانه‌ای، فعالیت‌های صنعتی را کنترل کنند. همچنین، دولت تعهدی مثبت برای ارائه اطلاعات درباره خطرات ادامه زندگی را بر عهده داشته است. دادگاه در مورد این پرونده، ابتدا نقض ماده ۸ را احراز کرد و در خصوص ماده ۲ نظری نداد. اما نظریات موجود در این پرونده، رویکردهای جدیدی را در مورد استفاده از حق حیات در چنین شرایطی ارائه می‌دهد.^۳

1. Case of *Tătar v Romania*, (2009), Application no 67021/01, para 5.

2. Case of *Taşkın and Others v Turkey*, (2004) Application no 46117/, para 107.

3. Case of *Taşkın and Others v Turkey*, (2004) Application no 46117/, para 60-62.

قاضی والش معتقد است که ماده ۲ نیز نقض شده است؛ زیرا ماده ۲ مشمول حفاظت از تمامیت بدنی خواهان‌ها می‌شود.^۱

به گفته قاضی جمبرکف، حمایت از سلامتی و تمامیت بدنی، ارتباط تنگاتنگی با حق حیات و احترام به زندگی شخصی و خانوادگی دارد. ممانعت از ارائه اطلاعات در مورد سلامتی افراد ممکن است به محرومیت عمدی آنها از حق حیات منجر گردد. بنابراین، شاید زمان آن فرا رسیده است تا توسعه و تکامل حقوق ضمنی، مانند حق بر محیط زیست سالم، مورد توجه قرار گیرد.^۲

۲.۴. محیط زیست سالم و تحدید حق مالکیت (ماده ۱ پروتکل شماره ۱)

مفهوم مالکیت که در پروتکل شماره ۱ معاهده اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است، معنایی مستقل دارد که محدود به مالکیت کالاهای مادی نیست و از طبقه‌بندی قوانین داخلی مستقل است. بنابراین، برخی اموال که در مفهوم رایج مالکیت قابل درج نیستند، ممکن است از دیدگاه کمیسیون مورد حمایت قرار گیرند.^۳

ماده ۱ پروتکل، حق استفاده شخصی از اموال را تضمین می‌کند. اما این حق مطلق نیست و محدودیت‌های خاصی بر آن اعمال می‌گردد. در شرایط خاص، مقامات دولتی ممکن است به شرط رعایت توازن میان منافع فرد و منافع عمومی محدودیت‌هایی را بر اعمال این حق اعمال نمایند. همچنین در برخی موارد، پرداخت غرامت شرط لازم برای اعمال محدودیت بر مالکیت اشخاص است.^۴ اعمال محدودیت بر حق بهره‌مندی صلح‌آمیز از مالکیت خود باید به نفع عموم باشد؛ یعنی در راستای دستیابی به یک هدف مشروع که می‌تواند حفاظت از محیط زیست باشد. بنابراین، دادگاه به دولت‌ها حاشیه تفسیر را تقدیم می‌کند که بر اساس آن، برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و سیاست‌های حفاظت از محیط زیست در اولویت برنامه‌های دولت‌ها قرار دارد.^۵

1. Judge Walsh, Concurring Opinion in: Guerra v Italy (n 104) 22.

2. Case of Guerra v. Italy, (1998), Application no 149/67/89, para24; Judge Jambrek, Concurring Opinion in: Guerra v Italy (104) 24.

3. Case of iatridis v. Greece,(1999), Application no 31107/96, para 54.

4. Case of Brosset-Triboulet and Others v. France,(1973), Application NO 34044/0, para 80.

5. Case of Brosset-Triboulet and Others v. France,(1973), Application NO 34044/0, para87.

۲.۴.۱. دعوی Pine Valley Developments Ltd and Others v. Ireland: هدف**مشروع در نقض مالکیت با توجه به اهداف زیست محیطی**

در دعوی Pine Valley Developments Ltd and Others v. Ireland که مربوط به اعطای مجوز برای ساخت و ساز است، دادگاه عقیده دارد تصمیمات دولت در عدم اعطای مجوز، منطبق با هدف حفاظت از محیط زیست و پیگیری مقامات مشروع و منطبق با اهداف عمومی بوده و بنابراین نقض ماده، محقق نشده است.

همچنین دادگاه معتقد است جلوگیری از ساخت و ساز با اهداف قانون‌گذاری مربوط به کمربند سبز هم‌خوانی دارد. علاوه بر این، خواهان‌ها، سرمایه‌گذاران تجاری‌اند که از نظر ماهیت، عنصر «خطر» در فعل آنها وجود دارد. بنابراین، ابطال پروانه ساختمانی متناسب با هدف مشروع حفظ محیط زیست است و تخطی از ماده ۱ پروتکل شماره ۱ وجود ندارد.^۱

۲.۴.۲. Öneriyıldız v. Turkey: ضرورت انجام اقدامات پیشگیرانه توسط دولت

در موارد دیگری، دادگاه نقض ماده ۱ پروتکل شماره ۱ را احراز کرده است. در دعوی Öneriyıldız v. Turkey، منزل خواهان بر اثر انفجاری در نزدیکی منزلش در اثر انباشت زباله، ویران شده بود. دادگاه خاطر نشان کرد که مقامات چندین سال متمادی نسبت به وضعیت موجود زباله‌ها بی‌اعتنا بودند. بنابراین، اگرچه خواهان منزل خود را بدون مجوز ساخته است، می‌تواند از شرایط مقرر در ماده ۱ پروتکل شماره ۱ استفاده کند. دادگاه همچنین دریافت، بین علت سهل‌انگاری مقامات و تخریب خانه رابطه علیت وجود دارد. بنابراین، دادگاه مدیریت پسماندها را به عنوان موضوعی که با توسعه شهری و صنعتی همراه است، در نظر می‌گیرد که باید توسط دولت تنظیم گردد و مسئولیت حوادث موجود بر عهده دولت است. بنابراین، از مقامات خواسته شده است تا از حداکثر توان خود برای محافظت و منافع شخصی و خصوصی استفاده کنند. در نتیجه، اقدامات پیشگیرانه مناسب از ناحیه مقامات ملی برای جلوگیری از خطرات زیست محیطی و در پی آن تعهد مثبت دولت طبق ماده ۱ پروتکل شماره ۱ مبنی بر حمایت از مالکیت صورت نگرفته است.^۲

1. Case of Pine Valley Developments Ltd and Others v. Ireland(1991), Application no 12742/87, paras 57-59.

2. Case of öneriyıldız v turkey, (2004), Application no 48939/4, para 10.

۲.۵. آزادی بیان و ضرورت شفافیت اطلاعاتی در مورد محیط زیست (ماده ۱۰ معاهده)

آزادی بیان سنگ‌بنای دموکراسی است. این حق، بحث و تبادل آزاد ایده‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. حق توزیع اطلاعات در مورد مسائل زیست‌محیطی تنها یک نمونه از حقوقی است که ماده ۱۰ در پی حمایت از آن است.

۲.۵.۱. دعوای *Steel and Morris v. the United Kingdom* و ضرورت ارائه اطلاعات

شفاف در زمینه مسائل زیست‌محیطی

در دعوای *Steel and Morris v. the United Kingdom*، موضوع حق فعالان محیط زیست در ارائه اطلاعات زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفت. در این پرونده، دو فعال زیست‌محیطی با کارزار انتخاباتی علیه مک دونالد در ارتباط بودند. بخشی از این کارزار، انتشار جزوه‌ای با نام «مشکلات مک دونالد» بود که تهیه و توزیع شد. شرکت مک دونالد از دو فعال زیست‌محیطی به دلیل افترا شکایت کرد. مک دونالد خسارات قابل توجهی را از دو نفر دریافت کرد. این محاکمه ۳۱۳ روز به طول انجامید و خواهان‌ها هیچ کمک قانونی دریافت نکردند. دادگاه اروپایی در این خصوص تأیید کرد که شرکت‌های بزرگ چندملیتی، همچون مک دونالد، حق دفاع از اعتبار خود را در دادگاه دارند، اما در همین حال، گروه کوچک و غیررسمی و گروه‌های تبلیغاتی باید بتوانند فعالیت‌های خود را به طور مؤثری انجام دهند.^۱

در پرونده مورد نظر، دادگاه بر این نکته تأکید نمود که در خصوص مسائل عمومی میان شرکت‌های بزرگ و گروه‌های کوچک باید عدالت و برابری سلاح وجود داشته باشد. در غیر این صورت، ممکن است اثرات منفی بر منافع عمومی نسبت به موضوع گردش آزاد اطلاعات و ایده‌ها وجود داشته باشد و این امر صرفاً در خصوص فعالیت‌های نهادهای قدرتمند تجاری وجود داشته باشد. در دعوای مورد نظر، دولت انگلیس با بی‌توجهی به اصل انصاف، عدالت لازم در فرایند دادرسی را تضمین نمود و در نتیجه حق آزادی بیان خواهان‌ها نقض گردید.

همان‌گونه که از متن بند ۲ ماده ۱۰ معاهده مشخص است، آزادی بیان حقی مطلق نیست و مقامات دولتی در زمان ایجاد محدودیت برای این حق باید سه شرط را احراز کنند و وقوع این سه شرط به صورت اجماعی شرط است: اول اینکه باید مبنایی قانونی برای عمل آنها و قانون

1. Case of *Steel and Morris v. the United Kingdom*, (2005), Application no 19983/92, para 12.

داخلی در زمینه محدودیت وجود داشته و آثار آن قابل پیش‌بینی باشد. ثانیاً، اقدامات آنها باید یکی از منافع مندرج در بند ۱۰ ماده ۲ را دنبال کند و سرانجام عمل آنها باید در یک جامعه دموکراتیک لازم باشد. دادگاه در رویه خود اظهار داشته است که ویژگی «ضرورت» در بند دو دلالت بر وجود نیاز میرم اجتماعی دارد.^۱

با توجه به اینکه اطلاعاتی که گروه‌ها یا فعالان زیست محیطی می‌خواهند توزیع کنند، اغلب از ماهیت حساسی برخوردار است، سطح حمایت بالا است. به عنوان نمونه، در دعوی Vides Aizsardzības Klubs v. Latvia خواهان، انجمن زیست محیطی بود که مدعی بود شهردار یکی از شهرها، عملیات ساخت و ساز زیان‌رسان به خط ساحلی را متوقف نکرده است. شهردار از این انجمن شکایت کرد و دادگاه داخلی لتونی، با عدم اثبات ادعاهای انجمن محیط زیستی، خواهان را محکوم به عذرخواهی و پرداخت خسارت به شهردار کرد. اما دادگاه اروپایی حقوق بشر خاطرنشان کرد که این انجمن سعی در جلب توجه افکار عمومی نسبت به موضوعی حساس را داشته است که در آن سازمانی غیردولتی و متخصص در حوزه محیط زیست، داوطلب انجام وظایف قانونی خود به عنوان «محافظ عمومی» انجام داده بود. در این نوع مشارکت، در یک جامعه دموکراتیک، مقامات دولتی به طور معمول در معرض نظارت دائمی شهروندان قرار می‌گیرند و در صورت داشتن حسن‌نیت، همه می‌توانند توجه مردم را به موقعیت‌های غیرقانونی جلب کنند. بنابراین، در این پرونده، دادگاه علی‌رغم به رسمیت شناختن اختیارات مقامات ملی این چنین نتیجه گرفت که میان محدودیت‌های اعمال شده در آزادی بیان سازمان مردم‌نهاد و هدف مشروعی که انجام شده است، رابطه متناسب و منطقی وجود ندارد. بنابراین نقض ماده ۱۰ محقق شده است.^۲

۲.۵.۲. دعوی Tierfabriken v. Switzerland: ضرورت تبلیغات زیست‌محیطی برای

انجمن‌های مربوطه

در پرونده Tierfabriken v. Switzerland، دادگاه به این موضوع توجه نموده است که آیا امتناع از مقامات ملی از ثبت آگهی تبلیغات انجمن حمایت از حیوانات الزام ماده ۱۰ را برآورد

1. Case of The Observer and Guardian v. the United Kingdom, (1991), Application no 5623/124, para59.

2. Case of Vides Aizsardzības Klubs v. Latvia, (2004), Application no 57829/00, para 19.

کرده است؟ اتحادیهٔ مربوط به حقوق حیوانات، در واکنش به تبلیغات مختلفی که توسط صنعت گوشت ایجاد شده بود و در قالب تبلیغات تلویزیونی ارائه می‌شد، معترض بود. در تبلیغ مورد نظر، محتوای تبلیغات نمایش خوک‌ها در میله‌های آهنی بود.^۱

فیلم تبلیغاتی تهیه شده توسط انجمن با تشویق مردم به این نتیجه رسید: «به خاطر سلامتی، حیوانات و محیط زیست، گوشت کمتری بخورید». دادگاه در این پرونده تصریح کرد که امتناع از ثبت آگهی لازم در کشور سوئیس مربوط به مداخله بوده و نیازمند ارزیابی این امر است که آیا دخالت دولت از طریق شرایط مندرج در بند ۲ ماده ۱۰ توجیه می‌شود یا خیر؟ از این رو، قانون باید به اندازهٔ کافی دقیق، در دسترس و نتایج آن قابل پیش‌بینی باشد. دادگاه تأکید می‌کند که عبارت «ضروری در یک جامعهٔ دموکراتیک» اشاره به یک «نیاز مبرم» اجتماعی دارد. دادگاه موضوع تبلیغ مورد نظر را سیاستی دانست تا اجتماعی که با مباحث روز جامعهٔ اروپایی، مانند حمایت از حقوق حیوانات و پرورش آنها، ارتباط دارد و این امر از میزان حاشیهٔ تفسیر دولت‌ها در خصوص اختیار ممنوع نمودن تبلیغات می‌کاهد. دلیل این امر این است که منافع مورد نظر صرفاً تجاری نیستند، بلکه مشارکت در بحثی است که بر منافع عمومی اثرگذار است. در نتیجه، دادگاه ممنوعیت اعمال شده را غیرمتناسب ارزیابی نمود.^۲

۲.۵.۳. دعوی *In the Brândușe v. Romania* و ضرورت دسترسی به اطلاعات زیست

محیطی

در دعوی *In the Brândușe v. Romania*، دادگاه معتقد است، دولت رومانی اقدامات لازم برای اطلاع دادن از وضعیت زباله‌های موجود در مجاورت زندان را انجام نداده است. ادعای خواهان بر مبنای ماده ۱۰ معاهدهٔ اروپایی، دسترسی مناسب به اطلاعات زیست‌محیطی و نتایج آن است که بر اساس آن می‌توان خطرات زیست‌محیطی را ارزیابی کرد.^۳

در نتیجه، دادگاه نقض ماده ۸ را به دلیل عدم موفقیت مقامات در تضمین حق دسترسی شهروندان به اطلاعات زیست‌محیطی احراز کرد. در دعوی دیگری نیز دادگاه به تضمین حق دسترسی به اطلاعات تصریح کرده است. به‌طور مثال، در دعوی *Giacomelli v. Italy* که

1. Case of Tierfabriken v. Switzerland, (2001), Application no 32772/02, para10.

2. Case of Tierfabriken v. Switzerland, (2001), Application no 32772/02, paras48-49.

3. Case of Brândușe v. Romania, (2009), Application no 39951/08, para 63.

مربوط به یک کارخانه تصفیه پسماند است یا در دعوی *Lemke v. Turkey* که مربوط به بهره‌برداری از یک معدن طلا است، دادگاه عقیده دارد: «فرایند تصمیم‌گیری دولت در مورد مسائل پیچیده زیست‌محیطی و اقتصادی، در وهله اول باید شامل تحقیقات و مطالعات مناسب باشد. اهمیت دسترسی عمومی به نتیجه‌گیری چنین مطالعاتی و اطلاع‌رسانی در مورد ارزیابی خطرات به اعضای جامعه امری غیرقابل اجتناب است»^۱.

1. Case of *Lemke v. Turkey*, (2007), Application no 17381/02, para 41.

نتیجه‌گیری

دادگاه اروپایی حقوق بشر به عنوان یک دادگاه منطقه‌ای حقوق بشر، نقش مهمی در پیشبرد و بهبود حق‌های بشری دارد. در این میان، اگرچه در زمان تصویب سند مؤسس این نهاد قضایی، اهمیت حق بر محیط زیست سالم همچون امروز شناخته شده و محرز نبوده است، اما ابزار موجود در معاهده، مانند «اصل تفسیر پویا» سبب شده تا دادگاه از طریق آنها حق بر محیط زیست سالم را به رسمیت بشناسد و در رویه قضایی خود از خلال سایر حقوق مندرج در معاهده اروپایی حقوق بشر به حمایت از حق بر محیط زیست سالم بپردازد. از سوی دیگر، دادگاه اروپایی حقوق بشر به مفاهیم جدید ارائه شده در عرصه حقوق بین‌الملل محیط زیست توجه نموده که از آن جمله توجه به مفهوم «دموکراسی زیست محیطی» در صدور آرای قضایی است. دموکراسی زیست‌محیطی بر حق مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی، دسترسی به اسناد و اطلاعات زیست‌محیطی و نیز حق جبران خسارت‌های وارده در اثر زیان‌های وارده به محیط زیست اشاره دارد و خوشبختانه این دادگاه در برخی آرای خود بر حقوق سه‌گانه مذکور تأکید نموده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، مواردی که دادگاه نقض حق بر محیط زیست سالم را احراز نموده است، عبارت‌اند از: وجود عنصر ضرر زیست‌محیطی در محیط زندگی، آلودگی صوتی در محیط زندگی، عدم رعایت اصل احتیاطی و عدم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، عدم ارائه اطلاعات شفاف زیست‌محیطی و در نتیجه ورود ضرر به اشخاص و نیز نقض آزادی بیان در خصوص انتقاد از عملکردهای زیست‌محیطی دولت‌های حاکم. در نهایت، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، دادگاه اروپایی حقوق بشر در رویه خود، حمایت گسترده و همه‌جانبه‌ای را از حق بر محیط زیست سالم به عمل آورده و مفهومی منعطف از حق بر محیط زیست سالم ارائه نموده است و می‌تواند الگویی برای سایر دادگاه‌های منطقه‌ای و نیز حقوق داخلی کشورها باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. اسکندری، مصطفی، **ماهیت و اهمیت حریم خصوصی**، فصلنامه حکومت اسلامی، سال یازدهم، ۱۳۸۹ شماره ۴، صص ۱۷۶-۱۴۷.
۲. امین منصور، جواد، **رابطه بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر جامعه بین‌المللی**، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۳۹۴ شماره ۳، صص ۱۶۰-۱۱۹.
۳. جم، فرهاد، **دموکراسی زیست محیطی برای حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل**، فصلنامه راهبرد، ۱۳۸۸، شماره ۵۰، صص ۴۱-۷.
۴. حسینی نژاد، حسینقلی، **نگاهی به دادگاه اروپایی حقوق بشر**، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۶، ۱۳۷۷، شماره ۲۲، صص ۱۴۶-۱۳۷.
۵. رحیم خویی، الناز و حسین رستم‌زاد، **تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر**، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۹۶، شماره ۵۶، صص ۲۸۹-۲۶۳.
۶. رضانی قوام آبادی، محمدحسین، **بررسی تطبیقی اجرای اصل احتیاط زیست محیطی در پرتوی آراء و تصمیمات مراجع بین‌المللی**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۵، ۱۳۹۲، شماره ۴۰، صص ۱۶۴-۱۴۱.
۷. طباطبایی، سید احمد، **دادگاه اروپایی حقوق بشر؛ ساختار و صلاحیت‌های جدید**، فصلنامه حقوق خصوصی، ۱۳۸۶، شماره ۵، صص ۱۳۶-۱۰۵.
۸. عباسی، محمود، آرین قاسمی و راحله رضایی، **تحولات رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در مواجهه با چالش‌های حق حیات: مطالعه موردی آرای بنیادین سقط جنین و مرگ ناخواسته**، فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۳۹۸، شماره ۴۸، صص ۱۸۴-۱۵۸.

۹. محبی، محسن، سماوی، اسماعیل، نقش رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در تفسیر پویای معاهدات حقوق بشری، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۵، ۱۳۹۷، شماره ۵۸، صص ۳۰-۷.
۱۰. ویژه، محمدرضا، مفهوم تعهدات مثبت در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، فصلنامه الهیات و حقوق، دوره ۱۳، ۱۳۸۳ شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۰۹.
۱۱. همتی، مجتبی، تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استانداردهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ با نگاهی به رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۳۵۳ شماره ۵۵، صص ۲۷۲-۲۴۵.

ب) منابع انگلیسی

Books

12. 'The Environmental Democracy Index (EDI) ' World Resources Institute, 2015.
13. Albers, J, *Human Rights and Climate Change: protecting the right to life individuals of present and future generation*, Master Thesis Public International Law Utrecht University, 2017, 124
14. Bjerler, N , *Do Europeans Have a Right to Environment? World Commission on Environment and Development*, 2007.

Articles

15. Francesco F, "International Human Rights in an Environmental Horizon" 2010, 21(1) *The European Journal of International Law*, 41, 49.
16. "General Comment no 14, The right to the highest attainable standard of health", *Art 12, Social and cultural rights*, 2011, Office of the high commissioner for human rights.
17. Grant E, "International Human Rights Courts and Environmental Human Rights: Re-Imagining Adjudicative Paradigms" 2015, 6(2) *Journal of Human Rights and the Environment* 156.
18. Jasanoff, Sheila, "The dilemma of environmental democracy", 1996, *Issues in Science and Technology* 13, no. 1: 63-70 at 64.

19. Jeffery, Michael I, "Environmental Governance: A Comparative Analysis of Public Participation and Access to Justice" 2005, *Journal of South Pacific Law* 9, no. 2 No 09-002 1.
20. Shelton, D, "Human Rights and Climate Change" ,2009, *Buffett Center for International and Comparative Studies Working Paper Series*, Working Paper.
21. Svitlana K, "Right to Carbon or Right to Life: Human Rights Approaches to Climate Change" 2008, *9 Vermont Journal of Environmental Law* 513, 516-517.

Cases

22. Case of Hatton and Others v. The United Kingdom, (2003), Application no. 366022/97.
23. Case of Airey v Ireland 32 Eur Ct HR Ser A (1979): [1979] 2 E.H.R.R. 305.
24. Case of Brândușe v. Romania, (2009), Application no 39951/08.
25. Case of Brosset-Triboulet and Others v. France,(1973), Application NO 34044/02.
26. Case of Budayeva and others v Russia,(2008), Application no 15339/02.
27. Case of Fadeyeva v Russia, (2005), Application no 55723/00 .
28. Case of Fadeyeva v Russia, (2007), Application no 55723/00.
29. Case of fadeyeva v Russia.(2005), application no 55723/00.
30. Case of Giacomelli v. Italy, (2006). Application no 59909/00.
31. Case of Guerra v. Italy, (1998), Application no 149/67/89
32. Case of iatridis v. Greece,(1999), Application no 31107/96.
33. Case of Kyrtatos v Greece, (2003), Application no 41666/.
34. Case of Lemke v. Turkey,(2007), Application no 17381/02.
35. Case of Loizidou V Turkey, Application, (1996), Application no 15318/89.
36. Case of López Ostra v Spain (1994), Application no 16798/90.
37. Case of önergyıldız v turkey, (2004), Application no 48939/46.
38. Case of Önergyıldız v. Turkey,(2005), Application no 48939/99
39. Case of Pine Valley Developments Ltd and Others v. Ireland(1991), Application no 12742/87
40. Case of Steel and Morris v. the United Kingdom,(2005), Application no 19983/92.
41. Case of Taşkın and Others v Turkey, (2004) Application no 46117/.

42. Case of Tătar v Romania, (2009), Application no 67021/01.
 43. Case of Tierfabriken v. Switzerland, (2001), Application no 32772/02.
 44. Case of Urgenda Foundation V State of Ntherland,(2015), Application no 17898/03
 45. Case of Vides Aizsardzības Klubs v. Latvia, (2004), Application no 57829/00.
-